



## مناقشه ایالات متحده آمریکا و چین در جنوب شرقی آسیا

### تایوان اوکراین نیست

کمیسیون مطالعات استراتژیک جنبش وحدت ملی ایرانیان - مرکزیت هامبورگ

با مقایسه چین و روسیه دیده می‌شود که دو کشور اولویت‌های استراتژیک بسیار متفاوتی دارند. اولاً، تفاوت زیادی در توانایی‌ها و پتانسیل‌های اقتصادی و نظامی آن‌ها وجود دارد. از نظر اقتصادی، چین دومین تولید ناخالص داخلی جهان را دارد. در سال ۲۰۲۱، تولید ناخالص داخلی چین ۷۶ درصد تولید ناخالص داخلی ایالات متحده بود. در مقابل، تولید ناخالص داخلی روسیه کمتر از ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی ایالات متحده بود. علاوه بر این، رشد اقتصادی چین پایدارتر از روسیه است. دلایل آن ساده است. رشد اقتصادی چندین دهه چین مبتنی بر توسعه همه جانبه در بخش‌های مختلف است: کشاورزی، تولید نیروی کار، صنعت فناوری پیشرفته و غیره. تقاضا برای واردات مواد خام چین را بسیار بیشتر از روسیه با اقتصاد جهانی مرتبط کرده است. در مقابل، توسعه اقتصادی روسیه عمدتاً مبتنی بر بخش انرژی است. از نظر نظامی، روسیه بزرگ‌ترین زرادخانه هسته‌ای جهان را از نظر تعداد کلاهک‌های هسته‌ای داراست و یک نیروی متعارف هولناک به‌ویژه در بخش زمینی در اختیار دارد. اوکراین در درجه اول یک میدان برای نبرد نیروهای زمینی است، جایی که روسیه می‌تواند قدرت خود را بیشتر از عرصه دریایی نشان دهد. در مقایسه، ارتش چین، اگرچه در حال تجربه مدرنیزاسیون سریع است، اما هنوز چندین دهه از ارتش ایالات متحده عقب‌تر است. چین نوسازی نیروی دریایی و نیروی هوایی خود را تنها در اواخر دهه ۱۹۹۰ و پس از بحران تنگه تایوان در سال ۱۹۹۶ آغاز کرد و مانند روسیه، نیروهای زمینی چین به طور سنتی قوی‌تر از نیروی دریایی و هوایی این کشور بودند. علاوه بر آن، تایوان هدف پیچیده‌تری برای تهاجم است. درست است که تنگه تایوان باریک است، با عرض کمتر از ۱۰۰ مایل در باریک‌ترین قسمت آن و چین تعداد زیادی موشک در امتداد ساحل خود، رو به سوی تایوان مستقر کرده است اما حتی اگر مداخله نظامی مستقیم ایالات متحده وجود نداشته باشد که ما نمی‌توانیم از آن مطمئن باشیم، با توجه به کثرت سیستم‌های تسلیحاتی پیشرفته‌ای که تایوان از ایالات متحده وارد می‌کند، باز هم تسلط چین بر تایوان آسان نخواهد بود. در چارچوب یک جنگ بالقوه در تنگه تایوان، ارتباط متقابل چین با اقتصاد جهانی یک شمشیر دو لبه برای این کشور است. از یک طرف، ارتباط متقابل چین با اقتصاد جهانی یکی از مهم‌ترین عوامل رشد اقتصادی چین برای دهه‌ها بوده است، از سوی دیگر، وابستگی عمیق اقتصادی متقابل باعث آسیب‌پذیری اقتصادی چین در مواقع بحران می‌شود. چین بر اساس مجموع واردات و صادرات در حال حاضر بزرگ‌ترین کشور تجاری در جهان است. این بیشتر به این دلیل است که چین با ایالات متحده و متحدان اصلی آن تجارت می‌کند. ایالات متحده و متحدانش هشت شریک تجاری از ده شریک تجاری چین را تشکیل می‌دهند. در سناریویی که چین برای اتحاد مجدد با تایوان از زور استفاده کند، تحریم‌های شدیدی از سوی ایالات متحده و متحدان آمریکا علیه چین اعمال خواهد شد. اگر این اتفاق بیفتد برای اقتصاد



چین بسیار پرهزینه خواهد بود. چین دچار یک رکود اقتصادی جدی خواهد شد که پیامدهای اجتماعی و سیاسی عمیقی در داخل خواهد داشت. این در حالی است که روسیه از نظر اقتصادی از رکود روابط با ایالات متحده و اتحادیه اروپا کمتر ترس دارد. چین و روسیه در اولویت‌های استراتژیک خود نیز متفاوت هستند. تهاجم روسیه به اوکراین تلاش رئیس‌جمهور ولادیمیر پوتین برای تأمین امنیت حیاط خلوت این کشور در برابر گسترش ناتو به سمت شرق است. بنابر این اولویت استراتژیک روسیه حفظ حیاط خلوت خود در برابر گسترش ناتو است. در مقابل، اولویت استراتژیک چین حفظ یک محیط صلح‌آمیز برای رشد اقتصادی چین است. دلیل آن ساده است. رؤیای چین «رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ اساساً جوان‌سازی ملت چین است که به طور ضمنی به معنای تبدیل مجدد چین به مرکز آسیای شرقی است. در نتیجه، ظهور چین منجر به عجله برای گسترش سرزمینی نمی‌شود، بلکه منجر به تلاش برای تبدیل شدن به یک ابرقدرت کامل می‌شود.

موازی دوم مقایسه بین تایوان و اوکراین است. اوکراین ۴۸ میلیون نفر جمعیت دارد و جمعیت تایوان تقریباً نصف آن (تقریباً ۲۴ میلیون) است. از نظر قومیت، جمعیت اوکراین حدود ۷۷ درصد اوکراینی‌ها و ۲۰ درصد روس‌ها هستند. در تایوان، بیش از ۹۰ درصد جمعیت چینی‌ها و کمتر از ۱۰ درصد بومی هستند. بر اساس ترکیب قومیتی، می‌توان تصور کرد که اتحاد چین با تایوان آسان‌تر از تصاحب سرزمین اوکراین برای روسیه است؛ اما به این سادگی نیست. از اواخر دهه ۱۹۸۰ دولت چین مشتاقانه روابط فرهنگی، اجتماعی و خویشاوندی با مردم تایوان را ترویج می‌کند. هدف اولیه این حرکت این بود که با ارتباطات فرهنگی و اجتماعی بیشتر، مردم تایوان بیشتر شبیه مردم سرزمین اصلی یعنی چین شده و به طور فزاینده‌ای تعلق خود را به سرزمین مادری احساس کنند؛ اما این سیاست‌ها اثرات معکوس نشان داد. با ارتباطات و تماس بیشتر، مردم تایوان به طور فزاینده‌ای تفاوت‌های خود را با سرزمین‌های اصلی مشاهده کردند. در اواخر دهه‌ها ۱۹۹۰ در دوره لی تنگ هو دولت تایوان اقدام به ترویج عمدی هویت تایوانی کرد. به این ترتیب تلاش‌های چینی‌ها برای ترویج هویت چینی در تایوان تا حد زیادی با شکست مواجه شد. این یکی از بزرگ‌ترین دردهای چین در تلاش برای اتحاد مجدد چین و تایوان است. از نظر اقتصادی، تولید ناخالص داخلی تایوان بیش از سه برابر اوکراین است و جایگاه تایوان از نظر فناوری در منطقه و جهان به عنوان یک مرکز فناوری اطلاعات، به‌ویژه به عنوان یک تولیدکننده بزرگ تراشه، بسیار مهم‌تر از اوکراین است. در واقع، ایالات متحده اخیراً از تایوان خواسته است تا در رفع کمبود جهانی نیمه‌هادی‌ها مشارکت بیشتری داشته باشد. همان‌طور که رابرت راس در آستانه قرن بیست و یکم نوشت، از نظر ژئوپلیتیکی، شرق آسیا دوقطبی است. بخشی همراه ایالات متحده به عنوان قدرت دریایی غالب و بخشی همراه چین به عنوان قدرت غالب قاره‌ای. تایوان دقیقاً بین این دو حوزه قرار دارد. از این نظر، هرکسی که تایوان را کنترل کند نسبت به دیگری برتری خواهد داشت. مسلماً، برای ایالات متحده، تایوان از نظر اقتصادی و استراتژیک مهم‌تر از اوکراین است. یکی از مهم‌ترین فاکتورها در جنگ اوکراین و جنگ احتمالی تنگه تایوان، احتمال دخالت مستقیم نظامی ایالات متحده است. برای اوکراین، دولت ایالات متحده به صراحت اعلام کرده است که مستقیماً به این مبارزه نخواهد پیوست. تصویر بسیار متفاوتی در مورد موضوع تایوان وجود دارد. از زمان برقراری روابط دیپلماتیک



# جنبش وحدت ملی ایرانیان

*Iranian National Unity Movement – Iranische Nationale Einheitsbewegung*

Page | 3

بین ایالات متحده و جمهوری خلق چین در سال ۱۹۷۹، مطابق با قانون روابط تایوان، دولت ایالات متحده به عمد موضع مبهمی را از نظر مداخله نظامی مستقیم حفظ کرده است. این ابهام، در بازدارندگی چین از استفاده از زور برای اتحاد و بازداشتن تایوان از اعلام استقلال رسمی مؤثر بوده است.

در نتیجه باید گفت، تایوان برای منافع ایالات متحده مهم‌تر از اوکراین است و هرگونه حمله چین به تایوان به احتمال زیاد باعث واکنش مستقیم نظامی واشنگتن خواهد شد. حداقل، تحریم‌های اقتصادی در صورت وقوع جنگ در تنگه تایوان یک احتمال قوی خواهد بود. در صورت تحریم‌های اقتصادی، چین بیشتر از روسیه از تحریم‌های ایالات متحده و متحدانش ضرر خواهد کرد.

به این ترتیب استفاده از زور برای بازگرداندن تایوان به سرزمین مادری گزینه چین در حال حاضر نیست و تا زمانی که شکاف بزرگی بین ارتش چین و ایالات متحده وجود دارد هم این گزینه روی میز چینی‌ها نخواهد بود. درک پکن این است که چین به پیشرفت در زمینه اقتصادی و نظامی ادامه خواهد داد و با قدرتمندتر شدن چین، در نهایت، این کشور می‌تواند بدون جنگ پیروز شود. همان‌طور که در ابتدای مقاله ذکر شد، برخی استدلال کرده‌اند که یکی از درس‌هایی که چین از جنگ اوکراین می‌آموزد این است که چین باید قبل از شروع جنگ برای اتحاد مجدد با تایوان، به طور جدی فکر کند. این توصیه به درد حال نمی‌خورد و برای آینده دور است. چین برای اتحاد مجدد عجله ندارد، چه از طریق مسالمت‌آمیز و چه با زور. امید چین به این است که به حدی از پیشرفت برسد که مداخله نظامی مستقیم برای ایالات متحده بسیار پرهزینه باشد، تایوان هم با چین موافقت کند و پیروزی بدون جنگ حاصل شود.

پاینده ایران و ایرانی

کمیسیون مطالعات استراتژیک جنبش وحدت ملی ایرانیان – مرکزیت هامبورگ

هامبورگ ۰۹ آگوست ۲۰۲۲